

جنگل الخیر

PAGE I
VOL V
No 17
سالیک دالرونیہ
ماہ سلطان شاہ

صفحہ اول
جلد پنجم
شمارہ ہفتم
قیمت اشتراک
۱۹ جانوری

این جریہ بر حسب تاریخ بھائی ہر نوردہ روز چاپ و توزیع میگرد و در نہایت نزدیکی در مسائل یگانگی بشر و وحدت ادیان و ترویج صلح عمومی و تربیت لطفال پیشتر حضرت بجا و اللہ جل جلالہ از ترویج حقائق این دین و محض خدمت و تعالوات مفید کہ موافق سبک ادارہ است قبول و نشر خواہد کرد دید

حضرت عبداللہاء در تشخیص ولادت حضرت مسیح

چون در اول خرماء گذشتہ ایام ولادت حضرت مسیح بودہ و اول اینہاء ابتداء سال جدید عالم مسیحیاز است لهذا بیانات مبارک را کہ در این خصوص نازل شدہ در مسیح میشود . تقریباً ۳ سال پیش حضرت عبداللہاء برای دیدن تشخیص ولادت حضرت مسیح تشریف بردند در کلیسای وت مینسٹر در شہر لندن پس از اتمام تشخیص بایوان کلیسا تشریف بردہ در خصوص ولادت مسیح نطقی بفضل و ملیح فرمودند کہ موضع نطق مبارک این بود - کہ نفوس منتظر ظهور مسیح با وجود انتظارشان چون آن حضرت ظاهر شد اورا نشناختند و انکار نمودند - پس از آن اجزاء این تشخیص بسیار تعریف فرمودند و تجید کردند و روز بعدش کہ روز شنبہ بود موافق ۲۲ ماہ دسمبر ۱۹۱۳ در منزل لیدی بلفیلد در حضور جمع کثیری این بیانات را فر مبارک نازل گردید

بیانات مبارک

در شب تشخیص ولادت حضرت مسیح بودہ فی الحقیقہ در نہایت اتقان بودہ و لکن عمل عبرت بود کہ این جمع جیعاگان میکردند کہ ہمہ منتظر حضرت مسیح ہستند و اشخاص حضرت را تا حضرت مسیح وقتیکہ آمد غریب و وحید و فرید مانند بچہ حضرت مسیح آمد و عکس ملتفت نشد لهذا مردم جستجوی مسیح میکردند کہ بیاید و حضرت مسیح آمدہ بود حضرت مسیح منتظر ظهور مسیح بودند آرزوی ظهور مسیح میکردند لکن وقتیکہ حضرت آمد مردم شدند بلکہ انکار میکردند گفتند این مسیح حقیقی نیست بلکہ اسنادی از ادنہ کہ من از ذکرش

حیاتیکنہ البتہ انجیل را خواندہ اید و این لقبی کہ حضرت دادہ اند جدیدہ اید مختصرا نیست کہ لقب حضرت مسیح را بعد از ہول گذاشتہ بودند معنی این لقب یعنی "شیطان" باین لقب حضرت مسیح را شہرت دلاندر صد ہزار افسوس صد ہزار افسوس کہ اورا نشناختند صد ہزار افسوس صد ہزار افسوس کہ آن افتاب حقیقت در برابرہای او ہام ستور ماند و الحال آن بود منتظرند کہ مسیح بیاید حضرت مسیح دو ہزار سال است آمدہ و هنوز بہود منتظرند ! ملاحظہ کنید غفلت چہ میکند بنظر شما منتظر بودند کہ مسیح از آسمان بیاید از مکانی غیر معلوم بیاید وقتیکہ مسیح آید کویہا از ہم میپاشد و زلزلہ عظیمہ گردد و اینہا فی الحقیقہ واقع شد و کتب دینش را نفی نمودند و باین ریز آگاہ نشدند کہ مقصد از کویہای سنگ نبود بلکہ نفی بود مثل کویہ کہ آنها از ہم ستلاشی شدند و مقصد از زلزلہ در عالم انکار بود نفی عالم کرم خاک جمیع آنچه انبیا خبر دادند واقع شد و کتب ہمہ دوز بود و غرض معنی ظاہری نبود زیرا کلمات الہی رمز است اسرار است دہنہ است دہنہ ستور است معدن جواهر است و معدن ہمیشہ ستور است مثلاً حضرت مسیح میفرماید " من آن نان آسمانی" و این واقع است کہ حضرت مسیح نان نبود و بحسب ظاہر از آسمان نیامد بلکہ از رحم مادر آمد اما مقصد از این نان نعمت آسمانی است کلمات حجابی است شبہہ نیست کہ حقیقت مسیح از آسمان آمد و کلمات از آسمان بود از عالم لاهوت بود . باز میفرماید " ہر کس از این نان تناول فرماید حیات ابدی بیاید" یعنی ہر کس در این کلمات الہی استفاضہ نماید یقین است زندہ گردد لکن نفوس قہمیدند اعتراض کردند کہ این کیوں من نان آسمانی ہستم ایامتیولیم ما اورا بخوریم؟

مقصود اینست که هر چند مسیح از حرم مادر آمد و الحقیق
 از آسمان بود . سبب چه شد که همه این ملل منتظر انکار
 وی گردند زیرا آنها منتظر بودند که مسیح بحیث ظاهر از
 آسمان آید و چون دیوید چنین شد انکار کردند و حال
 آنکه مقصود حقیقت مسیح بودن جسم مسیح و هیچ شبهه نیست
 که حقیقت مسیح از آسمان آمد و لکن چون اقوام نفهمیدند
 انکار کردند ولی الآن محروم ماندند پس باید اسرار
 کتاب مقدس را فهمید و معجزات و انجیل را دریافت زیرا
 جمیع رموز و اسرار است تا انسان بی بیان اسرار نبوی
 محروم ماند و بحقیقت بی بزدا اسید و ارم که شماها
 با اسرار کتب پیورید همیشه کشف اسرار حقیقت کنید
 و هیچ حجابی محتجب نگردید ناظر الی الله باشد پس ستر
 از خدا طلب نایند و توفیق کند تا از حجاب حقیقت محروم
 نگردید و استفاضه از انوار شمس حقیقت کند و با سر
 الهی واقف شوید تا در ملکوت الهی داخل شوید
 و در درگاه کبریا مقبول گردید و حیات ابدی توفیق
 شوید اینست آرزوی من این است نهایت الهی
 روحانیات .

پس رئیس مذکور برخاسته با نهایت خضوع و خشوع
 اعلان نمود و حضار با بمبهای حضرت عبدالبهار
 شب اول سال دعوت کرد و حین خروج مبارک
 حاضرین همه برخاستند و از سر و دست زنان
 هاله کمان اظهار عنایت نمودند و تشکر میکردند
 بنوعی که کارت و چنگال غذا خوری را بجای کلاه
 و دستمال که عادت احترام غریبه است حرکت میدادند
 بعد کولونیل مذکور حضرت عبدالبهار و خدام حضور
 در تالارهای آن عمارت که محل استراحت و سر برهای
 خواب برای فقرا بود سرداد بسیار وجود مبارک
 و فرمودند " من در حق خود عاظمیام که در حفظ حجاب الهی

بیانات مبارک
 اطراف و ریاضه کبرییه
 مورخه ۱۳ ماه جون ۱۹۱۳

حضرت مسیح در اطراف این دریاچه اغلب شبهاشی
 میفرد و تنها بکبر و شانی عالم انسانی بود و قیصر
 راحت نکرد و روزی آنرا دیدم سرگردان و بی سر
 و سامان در این کوهها و بیا با آنها ایام خود را میگذاشتند
 جایی که حواریون را دعوت بدخول در ملکوت نمودند
 همین اطراف است حضرات مشغول ماهیگیری
 بودند و حضرت مسیح در کنار ساحل نهامشی میکرد
 چون نظرش بوجه آنها افتاد و آثار قبول مشاهده
 نمود گفت " بیاید تا من شمارا صیاد انسان بنامم
 و آنها فی الفور هر چیزی را که کرده پیروی آن
 نور عیسم را نمودند سبحان الله همیشه در باریت
 امر نفوس عادی که در انظار ناس ابد الهی
 نداشته اند اقبال بظهور امر نموده اند شایسته
 در قرآن نازل شده که جهال ناس حضرت رسول
 میگفتند که " تو را بتاعت نکرد الا از ناس
 فضلا و علما و سروران و بزرگان تو را اجنوب
 نیدارند . اما هر کس شهادت میدهد که جمیع
 علما و فلاسفه و سروران هر ملتی در حضور جمال
 مبارک خاضع بودند و جمعی کثیر از این طبقات ایمان
 آوردند .

عبدالبهار مجید فقرا انجمن تشکرات

شب عید ولادت حضرت مسیح حضرت عبدالبهار
 با انجمن تشکرات تشریف بردند در کلیسای وست
 مینتر زیرا در آنجا سالی یک مرتبه شب عید میلاد
 فقرا دعوت میشوند و آن انجمن از آنها پذیرایی
 مینماید و شام میدهد زیرا آن فقرا یکس دعای نمایند
 اگر خیر ضراحی این انجمن نبود بی شام و آشیان در عید
 میلاد میباشد فریب هزار نفر حاضر بودند و خلق علی
 باشکوهی بود زیرا حضرت عبدالبهار وقتیکه حضرت خوراک
 بخوردند و خطابه ای که در ای بیانات مسیح بود بیان نمودند
 و آن فقرا حیان مجذب آن بیانات شدند که خوراک
 فراموش نموده گوش میدادند نظر بکشان آن خطابه
 بسیار ساده و سلیس بود و ترجمه جمله بجمه ترجمه میشود

التفات مبارک فقرا

نظر باینکه میفرمایند اقوال باید مطابق با اعمال باشد
 حضرت عبدالبهار زیاده از بیت بودند جنبه
 انگلیسی به کولونیل رئیس انجمن مجتهد فرمودند
 شب اول سال جدید یکم ماه جانوری سنه ۱۹۱۳ مثل آن
 شب [شب عید میلاد] همان فقرا را باز دعوت نماید

طَبْرِتِه

بیانات مبارک در حینا بعد از مراجعت از طبریه
مؤرخه ۱۶ ماه جون ۱۹۱۴

رحمانی گلزار است ولی ظاهر و واضح گشت که
خارزار است لا نفوس چند که از فیض
روح القدس مانند گل حرم نهایت طراوت و لطافت
جلوه نمودند آنان گل و ریحان حضرت
موسی بودند حال توتین در گلشن مسیح
گل مهد برکت خندانی و از فیض بهار روحها
در نهایت لطافت و شکیار حمد کن خدا که
مشاهده انوار از ملکوت اسرار غوری احمد
چنان است که بر عالم نافه مشک اسرار تاتار
نمای الحمد لله بدرقه عنایت از ملکوت
انوار پی در پی رسید و جان و دل را انجم
حجابات و اوهام رهائی بخشید دیده فی منور
داری و شای معطر خواهی و قلبی از فیض روح
القدس روشن فرمائی این نعمت عظمی و این
موهبت کبریا غنیمت شمار و بقوت آسمانی
و موهبتی رحمانی و تائیدی ملکوتی بهدایت دیگران
پرداز

من رفتم بطبریه این دفعه رفتن خیلی طویر کشید
طبریه نقطه فی است که در گوشه فی واقع شده
محل خلوتی است هیچ صدای و ندائی نیست مثل
ایست که انسان در بیابانی مسکن جسته در کنار
افتاده است جانی است که حضرت مسیح شی سینه
و حواریون را تعلیم میداد در محلی که اول اظهار امر
فرمودند نزدیک طبریه است و موسوم تبل هوم
در آنجا عبد بزرگ ساخته شده بود که حضرت
مسیح داخل شده جهت فرموده در نظر مسیحها خیلی
محترم است بعد در ایام عرب صلیبین خراب
شده اما اساسش مانده است و محل مقدسی است
عیب نیست اثر کله حق چنین است کن یهود
آنجا خیلی متعصب خود پسند از خود را حق
هستند اما یهودیهای امریکا خیلی مردمان
باهوش هستند آنچه با آنها صحبت میشد گوش
میدادند اما اینها ابد گوش نمیدادند یک
روز جهت های که در معا بد یهود غمزه بودم
برای خاخی در طبریه کردم بعد نگاه بصورتش
کردم دیدم ابد آثار هوش نیست چه قدر
فرق است میان نفوسیکه شعور و ادراک دارند
و نفوسیکه از این فیوضات الهی بکلی محرومند .

جنگ دنیا

بقلم فاضل آقا میرزا ابوالقاسم کلمتانه مقیم
مؤرخه ۳ ماه نو فبر ۱۹۱۴

بیشتر از ده ملیون عساکره دولت اروپا
و آسیا . انگلیس . روس . فرانسه . ژاپون
آلمان . غسه . عثمانی . بلجیک . صرب
و جبل اسود . در مواقع عدیده مجوزی آتش
نشانی مشغولند روز و شب از جریا وزیر
در با [و حرا و هوا گلوله توب میبارند
خون هم دیگر میریزند و جوانان نور سیده بگریزند
بجاک هلاک می اندازند و شهرهای عظیمه
و قصور رفیعه و عسارت عالیه را ویران و با آتش
یکسان مینمایند

نجم باختر : این سفر مدت اقامت مبارک در
طبریه یک ماه و نیم بود

لَوْحِ مَبَارِكِ

باقتاریکی از دوستان باد کوبه صادر که در
شان مقام حضرت مسیح است

پروا شد

ای گل گلشن حضرت مسیح و فیکه حضرت مسیح
در عهد الفدا با وجهی صبیح و جمالی بلج کشف حاج
نمود و در میان یهود جلوه آسمانی فرمود اسرائیل
و تعاینمود که این فلسطین از فیض مسیح

از قرار جرائد زیادتر از یک ملیون نفوس
تا حال مقتول و مجروح شده و معادل پانصد
جنبه انگلیسی (پوند) مصروف جنگ دول
مخاربه گردیده و خداوند عالم است که سایر
دول بیطرف هم داخل در جنگ و جدال بشوند
و میدان حرب و قتال را وسعت بدهند این

برای عظیم را طولانی بکنند یا بهین حد قنوت نمایند و هم بر خود و اهل عالم کنند و راضی با تلاف نفوس و اموال و خرابی ممالک و بلدان و ضرر تجارت و صناعت و زراعت نشوند خسارت این حرب که بر دول مجاربه و سایر دول و ملل بیطرف وارد آمده از حد احصا خارج است و سالها تدریجی توان نمود و نفسی در عالم نیست که مبتلا بضرر و سختی نشده باشد

اگر تا سیس حکمه کبری گشته بود یا اتحاد و اتفاق حقیقی و محبت و الفت صمیمی بین دول و ملل شده بود قضیه قتل ولی عهد منسیه و ذوجه آن بطور عدالت و حقانیت رسیدگی و تصفیہ میشد و این همه نفوس و اموال نابود نمیکشت و ممالک و بلدان خراب و ویران نمیکردید.

هزار و نهصد و پانزده سال از ظهور حضرت مسیح علیه السلام گذشته و نزدیک هزار و شصت سال است که تعالیم روحانی آنحضرت در بلاد منتشر شده کتب کثیره بلغات مختلفه تصنیف و تألیف نموده اند و جمیع طوائف عالم را بروحانیت و محبت دعوت کرده اند و مدرسه ها و بیمارخانه ها باز نموده اند چه شد اثر تعالیم حضرت مسیح چه شد ثمر فدائی آن وجه ملیح چه شد روحانیت او امر الهی چه شد پیروی آن جمال روحانی چه شد خیرخواهی عالم انسانی چه شد شکرانیت مراهب یزدانی چه شد نتیجه تحصیل علوم ربانی چه شد حفظ حقوق بنی آدم چه شد ظهور و بروز تمدن قرن بیستم که برای خودخواهی و نفس افتد خورنری شود و عالم انسانی از قهر و غضب متزلزل و منقلب گردد طالبان صلح و سلام آیا چه شنیدند که خواش شدند!

بهاستان عالم بتصریح حضرت بهاء الله جل ذکره الهی دوست صمیمی و خیرخواه حقیقی عالم انسانی میباشد و در هر مملکتی باشند بکمال صداقت و حسن نیت با حکومت و اهالی رفتار مینمایند و ابدا در امور سیاسی مداخله ندارند و از تعصبات جنسی و وطنی و دینی و مذهبی و سیاسی بیزارند و در این بلایا

و سختی و رزایا مناسبت و شریک دیگرانند و از دستگاه حق جل جلاله رجا و منت ملت مینمایند که این آتش افروخته بآب صلح خولوش گردد و سلاح باصلاح مبدل شود و نوع بشر احت و آسایش یابند انده هو القاهر المقتدر العزیز الرؤف .

اگر رؤسای ام و عقلاى عالم توجهی بنصایح و تعالیم حضرت بهاء الله و بیانات و تصریحات حضرت عبد البهاء مینمودند و بطور انصاف تحقیق و تدقیق مینمودند و غرضی حقیقت میکردند یقین مبین میدانستند که تعالیمی است که طوائف مختلفه و ادیان و مذاهب متنوعه بر یک بساط اخوت و مهربانی و انس و الفت و یگانگی جمع فرماید و سلاطین عالم و رؤسای امرا معزز و محترم و محبوب القلوب بنی آدم نمایند و سبب اتحاد و اتفاق ملوک و امرا و جمیع رعایا شود و اختلافات جنسی و وطنی و دینی و سیاسی را زایل کند و نوع انسان سعادت و آسایش و راحت یابد و وعده های الهی که در کتب آسمانی نازل شده محقق گردد و جنگ و خونریزی متروک شود و یقین است که عن قریب جمیع وعده های الهی ظاهر خواهد شد و لیس ذلك على الله بعزیز

زلزله ایتالیا

در این ایام زلزله فی عظیمی در مملکت ایتالیا واقع شده و اگرچه حرکت و انقلاب زمین بیشتر از نیم دقیقه نبوده ولی شهرها آباد با خاک یکسان شده و تقریباً شصت هزار از نفوس زنده بخته در زیر سنگ و زمین مدفون گشته این خبر محزون بکلی در قلوب عالم تأثیر نموده و از امریکا اعانه های از برای تکوین فرستاده شده .

خیلی عجب است ! که چنین فائق قهاری عذاری بی رحمی مثل زمین ایتالیا که به نیم دقیقه یا به چهل ثانیه عددی از شهرهای

معمور با شصت هزار از نفوس خود را بدو کرده که نشان افتخار یا لقب شرف از کسی باو نرسيه.

مَدَاخِلُ وَضُرُورُ در مدت شش ماه این جنگ عظیم

در این مدت شش ماه جنگ چنان معلوم میشود که مداخل و ضرر دول متخاصم تقریباً مساوی هم دیگر است زیرا مسینیم که فتوحاتی که المان کرده و مضرات که باورسیه مقابل فتوحات و مضرات دول متخالفه است یعنی انگلیس و فرانسه و روس. مثلاً حال در دست دول متخالفه از ملک المان از این قرار است :-

در لزان و لورین	۱۴۶۰	میل مربع
در شرقی پروسیه	۱۲۵۲	=
در غلیبا غنه	۲۴۵۶۱	=
در بوکینا غنه	۴۰۲۳	میل مربع
المجموع	۳۲۵۵۴	
و در دست المان از این قرار است :-		
در بلجیک	۱۰۰۶۳	میل مربع
در فرانسه	۹۰۳۱	=
در پولند	۱۱۱۰۷	=
المجموع	۳۰۲۰۱	

پس واضح میشود که در مدت شش ماه حرب بجز ضرر نامتناهی و خرابی و خونریزی برای اهل عالم عموماً و دول متخاصم خصوصاً نتیجه نخبش

مقاله عبرتی

من جریة المهاجر العدد ۷۹۶ نیویورک اکا
فی ۱ آيار [ی] ۱۹۱۲
تعلیم الكاتب الأديب توفیق افندی مفرج طالب علوم و بیامته
کلموبیا .

الشرق مهبط الوحي والآيات . وطن الشعراء والمحبين والأيمان والسلام . ما زال منذ الأزل إلى الآن يعطي العالم

نفوساً كبيرة ورجل إلى البشرية آياتاً ومعجزات .
فمن الشرق جاء يسوع - من الشرق جاء محمد و
وحامل آية الله وعلی تعالیه هؤلاء وبادنهم قامت
حياة البشر الاجتماعية وشرائعهم واديانهم في نور
اليوم رجل سمعت عنه في الشرق ورايته في الغرب
ولماذا اسمه رجلاً هو فوق الرجال بعقله وادراكه
بأخلاقه الحقيقية . باحترامه للفضائل بحبه للأفتان
بخدمته لأخوانه . بتعاليمه السامية التي تجعله
معلماً صالحاً التي يحبها إلى مرديد ونفوساً قلوب الناس
إليه الرجل هو - عبد البهاء عباس افندی -
وتعاليمه - المحبة والسلام ان يحب البشر بعضهم
بعضاً ان يعيشوا بسلام وراحة -
هذا هو النور الذي يحمله عباس افندی
بيده هذا هو الحق الذي يجاري العالم لأجله
[من له اذان للسمع فليسمع]

مهداً ايها القاري . فما كاتب هذه التطويرات
دين جديد بل هو مسيحي من حق من حق المسيحين
فلا تنسني الفهم بعد ان تقرأ أسطرى هذه فاني
رجل وككل رجل يحب كل من يعلم الناس - ان يحبوا
بعضهم بعضاً . ان يكونوا اخوة وان يعيشوا
كأخوة .

كنت في المدرسة الكلية في بيروت حين
سمعت لأول مرة لفظ - البهائيين -
مر لميذا امانا فاشارة اليه صديقي بجاني وقال :-
هذا هو بهائي ! هذا هو بهائي !

نجم باختر : [المقصود من بهائي ايضاً بعد
اسفنت ذلك الحين وقلت ما العسر هذه البشرية التي
تقوم بها كل يوم نبي جديد يدعو الى مذهب جديد
ذلك اليوم خلت زعم البهائيين ومعلمهم آيا لتزيد
على اديان الناس الكثيره ديناً جديداً . ككتي رأيت
بالأسس فضيلة عبد البهاء عباس افندی واذا هو
غير ما حسبته . هو غير ما يتوجه اليه الناس شيخ
مرحلة من العمر نشأ بشعره وزاده البياض
هيئة وجمالاً جالته وحادثته فرأيت حكمة
الشيخ ولطافة الأطفال . سأله عن دينه
الجديد فاذا هو - اتحاد الأديان جميعها -
وعن تعاليمه - فاذلبي محبة وسلام -
ان الذي يعلم اخوانه في الامانة تعاليمه الصالحة

اخبار ارحمنا

بقلم جناب محمد افندی پسر مرحوم آقای حسین آغا
تاریخ انوشهر ۱۳۳۸

بشارت کبری سلامتی وجود ذیجود اطهر مبارک
است الحمد لله در کمال صحت و عافیت برقرار .
و همچنین جمیع اهل بیت مقدس و دوستان الهی سرور
و سالم . اگر چه در این ایام بواسطه این جنگ
قیامتی است کبری ولی شکر الله که پاسبان شان حقیقی
موجود و اعنایم در چرگاه عنایت خود شش محفوظ و سنج
و برکنار - چه غم دیوانه است را که باشد چون پشیمان
چه باک از موج بحر آنرا که باشد نوح کشتیان
ابدأ مضطرب نباشید همیشه آسوده خاطر و سرور
شوید چه که جمیع اجبای این صفات الهی هستند و از
جهت رفتن اموال احبای فدای خالت پای مبارک است
قوله تعالی " المال والبنون زینت الحیاة الدنیا والباویک
الصالحات خیر عند ربک واجرا عظیما " عنایت و توفیق
و تأیید و رضای حق شامل باشد دیگر هر چه باد آباد
بارک . احبای عکا زفانه و مردانه در ایوستان
ساکتند و همچنین اهل بیت مبارک و احبای حیفای
زفانه و مردانه در کوه کرمیل در مسافر خانم و ضیق
مولی الوری گاهی در حیفای و گاهی در عکا و گاهی در ایوستان
نشرف دارند مرکزی از برای خود ندارند لایستجای
جمیع احبای الهی نمایان بود و خالی در حیفای مشرف بودیم
فرمودند در هر وقت در عکا میروم بیاد و فکر احبای
حیفای میفتم و هر وقت بحیفای میام بیاد و فکر احبای
عکا میفتم و هر وقت میروم بیاد و فکر احبای ایوستان
میفتم " بسیار بسیار نشتم فرمودند بعد فرمودند
در مختیر مانده ام چه بکنم "

بهمین نوع گاه گاهی مشرف میشویم و همیشه بر
عه یاران الهی از همی قلب تأیید و توفیق
طلبیم .
در آخر مجلس فرمودند " الحمد لله جمیع
احبای الهی در ظل حمایت حق محفوظند - قوله تعالی
والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا
الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر
اولئک لا خوف علیهم ولا هم یحزنون
بهمین آیه مبارکه اکتفا نمائید و آسوده خاطر
باشید "

و سامة فعلی اخوانه ان یحترموه و یکرموه !
ان عباس افندی یدعو الناس الی الاتحاد الروحی
الی التعاضد الی التكافل الی العمل البر و الخیر الی
التسامح و التساهل لذلك احترمه و لو وجدت
فیر غیر الحق لانکتم " ان الباطل کان ذوقا "
كنت فی زیارتی و قد تعینت سکریتة الخوضی
لحاجة فحاشه احدی سیدات نیویورک و كنت
الترجم بینهما . فاسمع ایها القاری نصائح
لئلك السیدة :

" احترمی زوجک وحبیه . اذا لم یکن حسنا
فصتی دائما لاجله . واجتهدی لتصلیه . و لی
اولادک التریبة الدینیة الحقیقة . علیهم
الصدق و الفضیلة . خافی الله و اتقیه . و
اجعلی بیک جنة " !
قد یرى القاری هذه الکلمات بسیطة
لکنها هی افضل نصیحة للمرأة هی افضل تعلم
للفنساء و قد یشعر الانسان بذلك التأثير
الرائق اذا سمع هذه الالفاظ من فم عباس افندی
و هو یلقیها و تکاد روحه تنسكب معها و انما
الشرفیة تتقدیرین کل حرف منها . ومع الأکرام
والاحترام الذی یرى ظهوره الناس لعباس افندی
فهو علی غاية البساطة . دعوت حضرت لم یخط
فی جامعة کولومبیا و كانت اللجنة قد اعدت له علی
المنبر کرسیا کبیرا او بکمة اخرى اکبر من بقیة
الکراسی و لما قدمت له حضرته لیجلس الی ان
یکون مقعد افضل من الغیر بل رفض کل التمزیر عن
الجالسین بجانبه و اخذ الکرسی الاخری !

اما عبتة للغیر و اعتناؤه بالفقراء و الغریب فقد
ذاتر . ذار حضرته احد الاجتماعات لطیفة
الفقراء و حمل معه مائة دولارا رباعا و ذمها علی
الحاجین فی مدینة نیویورک .

بعد ان رأیت کل هذا بعد ان شاهدت اعماله
القاضیة السامة کدت ان لا اصدق ان هذا هو
عبد البهاء عباس افندی - الذی سجده عبد الحمید
اربعین سنة فی عکا . ارجل کهدا یسجن ؟ لا الی
لکن عدت فتذکرت " ان لانی له کرامة فی وطنه

